حج عمره

Hajj Umrah

تتبع و نگارش:

برهان الدین "سعیدی"

مشخصات رساله:

- نام : حـج عمره
- تتبع و نـگارش: برهان الدين « سعيدی »
- ناشر: ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعيد افغاني
- سال چاپ: نوامبر 2025 ميلادی ـ جرمنی

حج عـمره

"Hajj Umrah"

تتبع و نـگارش:

برهان الدین « سعیدی »

BY: Burhanoddin "Saidi"

تصور من از حج وعمره چیست؟

اطاعت خالصانه و بندگی مخلصانه، الله سبحانه و تعالی و خاصتاَ در کعبه « بیت الله »؛ جذبه ، کشش ، فضیلت و ثواب خاص دارد. الله تعالی با محبت خویش نور « رحمت، شوق و اشتیاق » را در دل « قلب » بنده روشن میکند. به مثل اینکه عاری از همه گناهان؛ تازه در دنیا تولد شده باشد.

بناَ ضرورت مبرم است تا این منزلت معنوی؛ را در این مزرعه آخرت « دنیا » حفظ کرد و برای « رفاه و سعادت » شخص خود، خانواده و بشریت توام با انجام اعمال خیرخواهانه ، صادقانه و مخلصانه سعی و تلاش نمود ، تا در دنیا « خیر و برکت » و در آخرت « سعادت و رستگاری » را بدست آورد.

برهان الدین « سعیدی »

Was bedeuten der Haddsch und die Umrah für mich?

Die aufrichtige, gehorsame und hingebungsvolle Ergebenheit gegenüber Allah, dem Gepriesenen und Erhabenen. Insbesondere an der Kaaba, dem „Haus Gottes“ (Bayt Allah) zu sein. Es hat eine ganz besondere Anziehungskraft, außerdem ist es eine Tugend und ein einzigartig spiritueller Lohn dort zu sein.

Durch Seine Liebe entzündet Allah, der Erhabene, im Herzen Seines Dieners das Licht der „Barmherzigkeit, Sehnsucht und tiefen Hingabe“.

Nach der Umrah ist es, als ob der Mensch – völlig frei von allen Sünden – gerade erst neu in dieser Welt geboren worden wäre.

Daher ist es von dringender Notwendigkeit, diesen hohen spirituellen Rang auf diesem „Saatfeld für das Jenseits“ (der diesseitigen Welt) zu bewahren. Man muss sich durch wohltätige, aufrichtige und ehrliche Taten, unermüdlich für das Wohl und das Glück seiner selbst, seiner Familie und der gesamten Menschheit einsetzen. Um im diesseits „Segen und Güte“ (Khair und Barakah) und im Jenseits „Glückseligkeit und Erlösung“ zu erlangen.

Burhanuddin Saidi

فهرست

شماره	عنوان	صفحه
۱	ـ هدف حج و عمره چیست؟ برهان الدین « سعیدی »	۱
۲	ـ حج و عمره از دیدگاه من ؛ به زبان المانی	۲
۳	ـ خاطرات یما « سعیدی» از حج عمره! ترجمه به دری.	۳
۴	ـ یادداشت یما « سعیدی » در مورد حج عمره ؛ به زبان المانی	۴ ـ ۷
۵	فصل اول: « حج » ـ حج چیست؟ ـ فرایض حج ـ واجبات حج	۸
۶	فصل دوم: « عمره » ـ عمره چیست؟ ـ اوقات عمره ـ فرایض عمره ـ اعمال و مناسک عمره	۹
۷	فصل سوم: « بستن احرام »: ـ احرام چیست؟ ـ پنج محل اصلی میقات ـ طریقه پوشیدن احرام ـ نیت کردن ذکر تلبیه « لبیک » ـ اعمال حرام برای مردان و زنان در حالت اجرام « محرم » ـ اعمال ممنوع در عمره	۱۰ـ ۱۲
۸	فصل چهارم: طواف بیت الله « کعبه» ـ طواف چیست؟ ـ برهنه کردن شانه راست « اضطباع » ـ طواف کعبه ـ لمس کردن سنگ الحجر الأسود « استلام » ـ نماز طواف ـ نوشیدن اب زمزم	۱۳ـ ۱۵
۹	فصل پنجم: سعی بین صفا و مروه : ـ تقصیر « تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر »	۱۶ ـ ۱۸
۱۰	فصل ششم: ـ معلومات در مورد شهر مکه	۱۹ ـ ۲۵
۱۱	ـ فصل هفتم: ـ معلومات در مورد شهرمدینه	۲۶ ـ ۲۹
۱۲	منابع و موخذ:	۳۰ ـ ۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدف حج وعمره چیست؟

حج : عزم و قصد برای رسیدن به خانه حق تعالی است و در اصطلاح زیارت جای خاص « کعبه » میباشد. چنانچه الله سبحانه و تعالی در « سوره ۲: البقرة، ایه مبارکه ـ ۱۲۵ » : فرموده که: خانه خدا ؛ محل امن و پاکیزه برای « طواف‌کنندگان، معتکفان و رکوع و سجودکنندگان» است و همچنان در سوره الأنعام، ایه « ۱۶۲»: فرموده که: « نماز، عبادات، زندگی و مرگ » فقط برای الهی میباشد.
فلهذا؛ بالای هر فرد مسلمان ، عاقل ، بالغ ، آزاد و صحتمند که توانایی مالی و جسمی داشته باشد، فرض است تا با اراده و خواست خود، و با پوشیدن لباس سفید « لباس تقوی » توام با نیت پاک و خالصانه وذکر: « لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ» عازم بیت الله شده و این عبادت د ستجمعی و مناسک مسلمانی را با آداب و ریاضت انجام دهد.

بدون شک: زیارت « کعبه » این مکان مقدس ، شهر امن ، شهر تقرب و شهر کسب رضایت حق تعالی؛ اگر با : « اخلاص، آداب ، ریاضت، تزکیه نفس، خضوع و خشوع » ، صورت گیرد . به یقین که رب العالمین زمینه و شرایط « بخشش ، تقرب ، رحمت ، خیر وبرکت، سعادت و رستگاری» را به بنده خود، نصیب مینماید.

تصور من از حج وعمره چیست؟

اطاعت خالصانه و بندگی مخلصانه، الله سبحانه و تعالی و خاصتاً در کعبه « بیت الله »؛ جذبه ، کشش ، فضیلت و ثواب خاص دارد. الله تعالی با محبت خویش نور « رحمت، شوق و اشتیاق » را در دل « قلب » بنده روشن میکند. به مثل اینکه عاری از همه گناهان ؛ تازه در دنیا تولد شده باشد.
بناَ ضرورت مبرم است تا این منزلت معنوی؛ را در این مزرعه آخرت « دنیا » حفظ کرد و برای « رفاه و سعادت » شخص خود، خانواده و بشریت توام با انجام اعمال خیرخواهانه ، صادقانه و مخلصانه سعی و تلاش نمود ، تا در دنیا « خیر و برکت » و در آخرت « سعادت و رستگاری » را بدست آورد.

الهی !
ـ شکر گزارم که با فرزندان عزیزم « بکتاش جان و یما جان » مهمان خانه مقدس تو « بیت الله » بودم و در آنجا با « عشق ، محبت و اشتیاق قلب » فقط تو را عبادت و پرستش کردم ؛ خاص برای تو مناسک حج عمره را انجام دادم و خاص در جستجو و کسب نور رحمت و برکت تو بودم.

الهی! با محبت خویش من را در مسیر راه صراط المستقیم قرار ده و با لطف خویش برایم صحتمندی، توانمندی و خیر و برکت عطا فرما؛ تا با اعمال صالح و خیرخواه ، برای خود، برای خانواده و برای بشریت، خدمت مخلصانه انجام دهم.

امین یا رب العالمین

برهان الدین « سعیدی »

Was bedeuten der Haddsch und die Umrah für mich?

Die aufrichtige, gehorsame und hingebungsvolle Ergebenheit gegenüber Allah, dem Gepriesenen und Erhabenen. Insbesondere an der Kaaba, dem „Haus Gottes“ (Bayt Allah) zu sein. Es hat eine ganz besondere Anziehungskraft, außerdem ist es eine Tugend und ein einzigartig spiritueller Lohn dort zu sein.

Durch Seine Liebe entzündet Allah, der Erhabene, im Herzen Seines Dieners das Licht der „Barmherzigkeit, Sehnsucht und tiefen Hingabe“.

Nach der Umrah ist es, als ob der Mensch – völlig frei von allen Sünden – gerade erst neu in dieser Welt geboren worden wäre.

Daher ist es von dringender Notwendigkeit, diesen hohen spirituellen Rang auf diesem „Saatfeld für das Jenseits“ (der diesseitigen Welt) zu bewahren. Man muss sich durch wohltätige, aufrichtige und ehrliche Taten, unermüdlich für das Wohl und das Glück seiner selbst, seiner Familie und der gesamten Menschheit einsetzen. Um im diesseits „Segen und Güte“ (Khair und Barakah) und im Jenseits „Glückseligkeit und Erlösung“ zu erlangen.

O Allah!

Ich bin dankbar, dass ich mit meinen geliebten Kindern Baktash Jan und Jama Jan in Deinem heiligen Haus, dem Baitullah, zu Gast sein durfte und dort, mit Liebe, Zuneigung und der Sehnsucht meines Herzens, Dich allein anbetete und verehrte; ich vollzog die Riten des Hajj und der Umrah speziell für Dich und suchte insbesondere nach dem Licht Deiner Barmherzigkeit und Deines Segens.

O Gott!

Schenke mir durch Deine Liebe Gesundheit, Kraft und Segen, damit ich aufrichtig für mich selbst, für meine Familie und für die Menschheit durch gerechte und wohltätige Taten dienen kann.

Amen, oh Herr der Welten,

Burhanoddin Saidi

خاطره یما « سعیدی» از حج عمره!

پس از هفت مرتبه طواف به دور کعبه شریفه ، ادای دو رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم خلیل الله، نوشیدن اب مبارک زمزم ، هفت بار سعی بین صفا و مروه و سرانجام کوتاه کردن موی سر؛ برایم به وضاحت احساس داد که تازه تولد شده ام و حال میتوانم از خوشحالی تمام دنیا را در آغوش بگیرم و با افتخار و خوشبختی؛ سخت اشتیاق داشتم تا با « مادرم ، همسرم ، دخترم، خواهر، برادرانم ... » صحبت کنم و از آنچه را که دیدم و بالایم گذشت؛ به آنها بگویم و قصه کنم.

خاصاً در روز جمعه « سوم اکتبر ۲۰۲۵ »؛ دو ساعت قبل از اذان نماز جمعه، از ترس ازدحام زیارت کننده گان، به مشکل به صحن کعبه مبارک داخل شدیم و با نهایت اشتیاق قلب، طواف کعبه را انجام دادیم و متعاقباً قریب یک ونیم ساعت زیر آفتاب سوزان با گرمی شدید قریب « ۴۵ درجه»، در صف ششم مقابل کعبه « بیت الله » جای گرفتیم و چشم انتظارِ طنینِ آذان بودیم.

عرق از سرو صورت ما چنان جاری بود ، گویی در حمام داغ « سونا » نشسته ایم. کارکنان بیت الله به صورت همه آب پاشی و بوتلهای آب سرد را در میان صفوف توزیع میکردند. اما؛ با آنهم من برای خود ، برای خانواده‌ام و برای تک تکِ عزیزانم نماز نفل خواندم واز الله تعالی استدعا طول عمر، صحت، خیر و برکت نمودم و...

غرق درعالم تفکر در مقابل خانه مقدس « کعبه » نشسته بودم و با الله تعالی مهربان خود تضرع و راز و نیاز داشتم ... راز و نیاز در مورد همه نیکی‌ها و بدی هایی که مرتکب شده یا چشیده بودم، همراه با افکاری سفید وسیاه در ذهنم گذر میکرد...
گاهی با خود میگریستم و گاهی هم میخندیدم و ... که ناگهان صدای شرین آذان در صحن بیت الله بلند شد و لرزه به اندام افتید ... در صف منظم استاده شدم و در مقابل خانه الله تعالی برای نماز جمعه نیت کردم . نماز را با شور عشق و احساس قلبی خواندم و از این رحمت الهی شکر کردم .

در فکر و تصور « افتاب سوزان ؛ عرق ، تشنگی، مشقت و خستگی های جسمی » نبودم . بلکه ایستادن با افتخار در پهلوی « پدر و برادرم » ، آن هم بخاطر ادای نماز « جمعه » در چنین مکانِ مقدس و با فیض و برکت ؛ از جمله زیباترین و بهترین لحظات عمرم به شمار میرفت.
از درگاه باری تعالی (جل جلاله) استدعا کردم تا همه عبادات و زیارت حج عمره ما قبول کند و با محبت خویش برای همه « خانواده و عزیزان » صحت و سلامتی نصیب کند تا در پهلوی هم خوش ، ارام و با سعادت باشیم .

شکرگزارم از الله تعالی بخاطر این سفر ارزشمند و معنوی ! متأسفانه نمی‌توانم با کلمات احساساتم را توصیف کنم. بلکه این سفر را باید خود انسان ، خود تجربه کند و با تمام وجود حس نماید. این سفر انسان را دوباره به معنای واقعی زندگی نزدیکتر می‌سازد و به او فروتنی و تواضع می بخشد.

به تاسف ! ما گاهی چنان در این زندگی دنیا ؛ غرق و گم میشویم و در جستجوی جمع آوری دارائی هستیم که حتی از یاد الله تعالی غافل و مهمتری لحظاط زندگی خود را فراموش میکنیم و ...

ای پروردگار بلند مرتبه و پاکم ! تنها حمد و ستایش تو را میگویم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

یما « سعیدی »

Hajj „Hadsch“ Umrah

Wenn man eine Reise antritt hat man eine gewisse Vorstellung wie es wohl dort sein mag, wie es wird und was einen erwartet. Wenn man die Absicht verfolgt seine Umra zu vollziehen, ist es was völlig anderes…
Vor allem, wenn man zum ersten Mal die Umra vollbringen möchte.

Selbstverständlich hat man wieder im Kopf diese gewisse Vorstellung, man hat Bilder gesehen und bereitet sich über Wochen und Monate, seelisch und körperlich darauf vor, dass Haus Gottes zu sehen, es zu umrunden und es anzufassen.

Als Gläubiger Muslim ist es ein unbeschreiblich schönes Gefühl die Möglichkeit zu haben und zu bekommen solch eine Reise anzutreten. Es ist eine Einladung, eine Einladung von unserem Schöpfer!

Als ich am 28.09.25 die Reise mit meinem Vater und meinem Bruder begonnen habe, war es auf der einen Seite die Euphorie die einen überschüttet, zum anderen eine enorme Anspannung.

Habe ich mich gut genug drauf vorbereitet? Ist es der richtige Zeitpunkt? Werde ich alles korrekt vollbringen oder werde ich Fehler machen? Hätte ich mich intensiver damit beschäftigen sollen?… Fragen über Fragen!

Nach eine entspannten Anreise sind wir am Morgen, des 29.09.25 in Medina im Hotel angekommen und haben es auf die Minute genau zum Morgengebet in die Propheten Moschee geschafft. Welch ein Segen hier zu stehen…

Die Schönheiten dieser Moschee, die vielen Menschen, die in Scharen sich aus allen richtigen in die Moschee begeben, der Azan (Gebetsruf) der durch die Lautsprecher

ertönt, die angenehme Morgenhitze die durch den Körper geht, die Vögel die vor der Moschee umherfliegen und das Gefühl von Freiheit und Harmonie erzeugen… So viele verschiedene Menschen, Kulturen und Geschöpfe Allahs an einem Ort.
Jeder macht das was er für richtig hält aber alle glauben an das eine, an die Schöpfung Allahs swt., die Gnade Allahs zu erlangen und dort entlang zu gehen, wo unser Prophet den Boden mit seinen Füßen betreten hat. In seinem Haus, in der Moschee die ER, unser größtes Vorbild im Glauben erbaut hat, zu beten und auf seiner Fährte zu sein, ist ein unglaubliches schönes Gefühl. Die Tage in Medina vergingen wie im Flug, wir waren viel unterwegs, haben viel gesehen und erlebt.

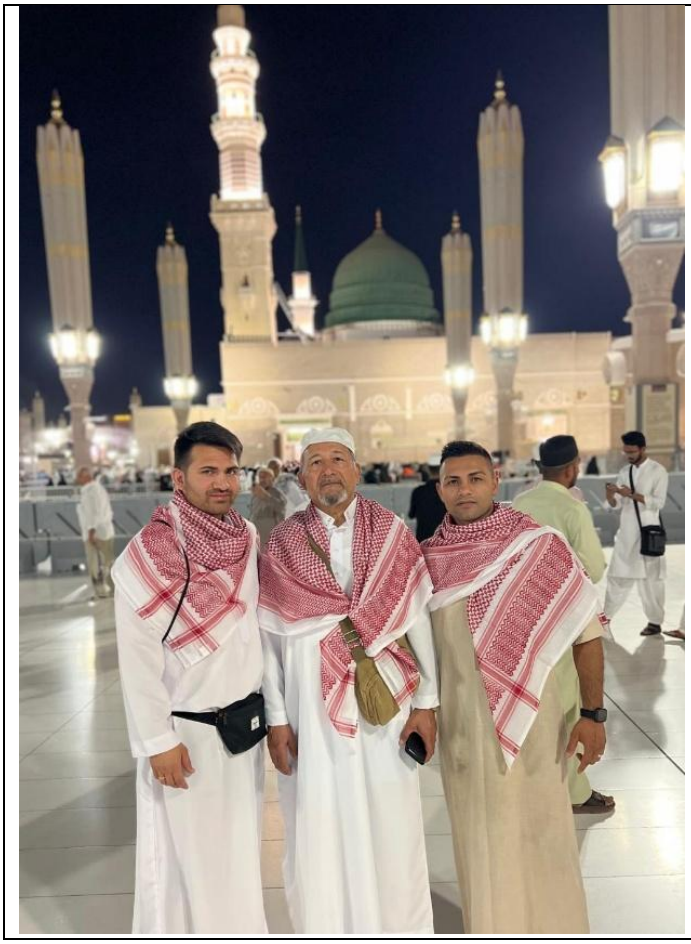

Jedoch hatten wir drei, eine innere „Unruhe“ wäre das falsche Wort, wohl eher eine gewissen Anspannung, da wir wussten, dass der Grund unserer Reise, die Umra, uns noch bevor steht.

Wir machen es auf eigene Faust, alle drei das erste Mal in Saudi Arabien, ohne Reiseführer oder Gruppe. Wieder gehen einem die vielen Fragen durch den Kopf…

Nach einer intensiven und schönen Zeit in Medina, haben wir uns am frühen Morgen des 01.10.25 vorbereitet und uns im Ihram (Bekleidung des nach Mekka pilgernden Muslims, die aus zwei langen weißen Baumwolltüchern besteht, die um Rücken und linke Schulter bzw. um die Taille geschlungen werden), auf dem Weg in die „Miqat“ Moschee gemacht. Die Anspannung war sichtlich in der Luft zu spüren…

Dort angekommen haben wir zwei Rakat gebetet und unsere Absicht, die Umra zu beginnen, vollzogen.

Nach einer angenehmen Zug fahrt, sind wir in Mekka gut angekommen und haben uns nach dem Einchecken im Hotel sofort auf dem Weg zur Haram Moschee gemacht. Die Menschenmenge in Medina war schon groß aber die Menschenmenge in Mekka war damit absolut nicht zu vergleichen. Mit einer klaren Mission, voller Hingabe, Freude, Euphorie und Anspannung standen wir nun vor der Haram Moschee. Nach kurzem Suchen haben wir auch den direkten Eingang zur Kaaba gefunden und haben uns auf den langen Gang begeben und kamen mit jedem Schritt der Kaaba näher.

Den Blick auf den Boden gesenkt um noch bei klarem Verstand zu bleiben haben wir die Treppen nach unten überwunden und stand nun direkt vor dem Wunder… Vor dem was wir uns erträumt haben! Wir waren da, die Einladung zu Allah swt.

Haus, dass Haus Gottes, wo wir fünf mal am Tag von jedem Punkt aus auf dieser Welt uns hinwenden und niederwerfen.

Am Gebetsort angekommen, mit direkten und klaren Blick auf die Kaaba haben wir uns drei hingestellt und unseren Gefühlen freien Lauf gelassen. In dem Moment habe ich das Gefühl von Ort und Zeit verloren, es war wie als wäre ich angekommen an einem Ort, nachdem sich mein Herz und meine Seelen, ein Leben lang gesehnt haben. Ein Ort

voll Frieden, Glückseligkeit und Harmonie.

Mit diesen Gefühlen habe ich es irgendwie geschafft zwei rakat zu beten, meine tiefsten Gefühle, Wünsche, Träume und Dankbarkeit in Worte zu fassen und mich mit meinem Schöpfer über alle Gedanken die ich in dem Moment hatte auszutauschen. Nach einer gewissen Zeit habe ich es realisiert wo ich angekommen bin und habe Ausschau nach meinem Vater und Bruder gehalten, die direkt neben mir saßen und wohlmöglich die gleichen Gefühle hatten.

Wir haben uns umarmt, gelacht und geweint… die Tage zuvor in Medina waren anstrengend und die Nächte sehr kurz. Aber die Willenskraft die wir plötzlich in uns gespürt haben um die Umra zu vollziehen war unglaublich.

Nach sieben Umrandungen um die Kaaba, dem Gebet hinter dem „Mekame Ibrahim“, dass trinken vom „ZamZam“ Wasser, das sieben Mal auf und ab gehen zwischen den Bergen „Safa und Marwa“ und dem Haarschneiden, haben wir uns Wort wörtlich wie neugeboren gefühlt. Ich hätte die ganze Welt in dem Moment umarmen können. Voller Stolz und Glücksgefühlen wollte ich meine Mutter, meine Frau, meine Tochter, meine Geschwister, alle sprechen und davon berichten was wir erlebt haben. Die nächsten drei Tage in Mekka sind in Worte nur sehr schwer zu beschreiben. Es ist wie eine Achterbahnfahrt der Gefühle welches man erlebt. Gefühle wie weinen und lachen, Trauer und Freude, Erschöpfung und Kraftvoll waren nur Sekunden voneinander entfernt…	

Es gibt tausende von schönen Momenten die wir erlebt haben. Gerne möchte ich über meinen schönsten und auch intensivsten Moment berichten. Es war Freitag der 03.10.25, wir sind zwei Stunden vor dem Freitagsgebet zur Haram Moschee gegangen, da wir mit einem großen Andrang gerechnet haben.

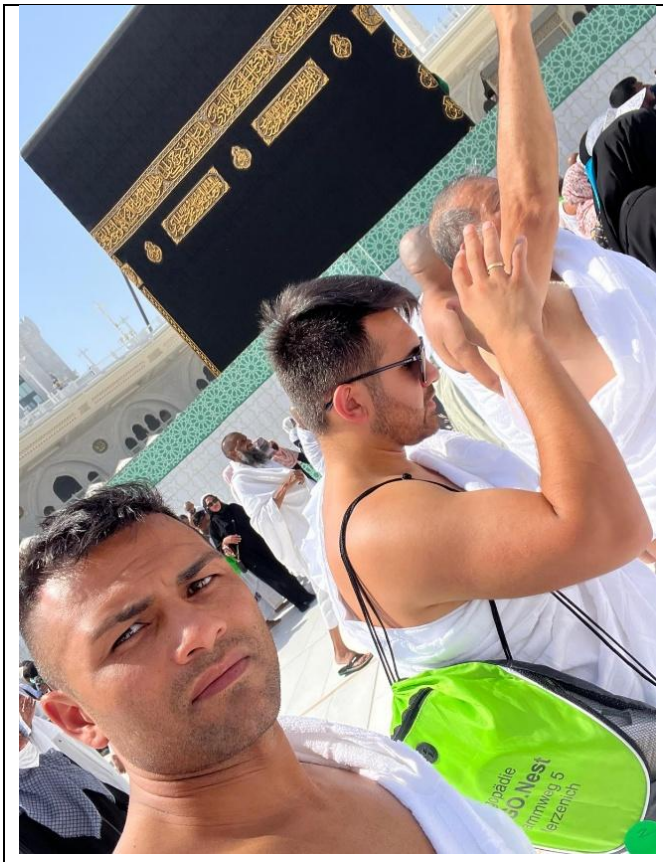

Anderthalbstunden standen wir in der knallenden Sonne von mindestens 45 Grad in der sechsten Reihe vor der Kaaba und haben auf den Gebetsruf gewartet.

Die Menschen standen alle schon in Scharen bereit, es wurden Trinkflaschen rumgereicht und der Körper war pitschnass geschwitzt als würde man in der Sauna sitzen.

Alle mit dem gleichen Ziel… in der Zeit ging mir mein Leben, meine Familie, all das was ich erreicht habe, gut und schlecht gemacht und erlebt habe, positive wie negative Gedanken durch den Kopf.

Ich habe für meine liebsten gebetet, für jeden einzelnen ein „Nafel“ Gebet verrichtet. Ich habe gelacht und geweint…

trotz der Anstrengung waren es einer der schönsten Minuten und Stunden, stolz neben meinem Vater und meinem Bruder, an einem Freitag, der mir wirklich viel bedeutet, an so einem segensreichen Ort zu stehen und das „Jummah“ Gebet zu verrichten. Möge Allah swt. unsere Gebete annehmen, unsere Umra akzeptieren und uns mit unseren Familien schützen, auf das Er uns immer glücklich und gesund hält!

Die Dankbarkeit die ich verspüre, diese Reise antreten zu dürfen kann ich leider nicht mit Worten beschreiben. Diese Reise muss man selbst erleben und fühlen. Es bringt einen nochmal den Sinn den Lebens näher und es erdet einen.

Wir verirren uns in diesem Leben und streben nach immer mehr und mehr, vergessen oft aber dabei das wesentliche…

Danke für alles Allah swt!!!

Jama Saidi

فصل اول

حـج

شماره	عناوین
۱	ـ حج چیست؟
۲	ـ فرضهای حج
۳	ـ واجبات حج

حــج

حج چیست؟

ـ حج : در لغت بمعنی قصد است و در اصطلاح شرح : قصد زیارت خاص به سوی مکان خاص و از جمله رکن یا ستون پنجم ؛ دین مبین اسلام ، میباشد.

ـ حج : بالای هر فرد مسلمان در تمام عمر فقط یکبار در وقت معین؛ ماه های مشخص « شوال، ذی قعده، ذی حجه » فرض است. البته در صورتیکه شرایط ذیل را داشته باشد: « آزاد ، عاقل ، بالغ و صحتمند باشد و توانایی مالی و جسمی لازم برای سفر خود داشته و همچنان محیا کننده احتیاجات و نفقه فامیلش باشد».

ـ حج : حج در سال نهم هجرت بعد از فتح مکه فرض شد و به سه نوع هریک : « ۱ـ حج تمتع، ۲ ـ حج قران و ۳ ـ حج افراد » میباشد.

ـ حج تمتع : شامل دو بخش «عمره تمتع » و « حج تمتع » است که در ماه‌های حج انجام میشود. و حاجی بعد از عمره از احرام خارج می شود و برای حج دوباره احرام بسته میکند.

ـ حج افراد: کسی که با نیت حج تمتع از همان ابتدا احرام میبندد و تا پایان مناسک در همان حال باقی میماند.

ـ حج قران: با مثل حج افراد است، با این تفاوت که حاجی دو نیت حج و عمره را همزمان در یک احرام انجام میدهد. « انجام دادن مراسم حج ؛ همزمان نیت حج و عمره ، در یک احرام .»

ـ فرضهای حج:

فرضهای حج سه چیز هرکدام: « بستن احرام، وقوف (ایستادن) به عرفه و طواف زیارت » میباشد.

ـ طواف « کعبه »: سوره « البقرة، ایه ۱۲۵»: خانه خدا « کعبه» محل امن و پاکیزه برای « طواف‌کنندگان ، معتکفان ، رکوع و سجودکنندگان » است و خواندن نماز در مقام ابراهیم.

ـ واجبات حج:

ـ وقوف در مزدلفه: ماندن در مشعرالحرام ، بعد از طلوع فجر روز نحر « روز عید ».

ـ سعی در میان صفا و مروه: سوره « البقرة، ایه ۱۵۸»: در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست ، هر که کعبه را حج یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی نماید.

ـ رمی جمار: زدن هفت سنگ ریزه به جمره‌ها ، در« منا ».

ـ طواف وداع یا طواف صدر برای کسانیکه از خارج میقات می آیند .

ـ حلق یا تقصیر: کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر. « سوره ۲: البقرة، ایه مبارکه « ۱۹۶ ».

ـ وقوف درعرفات: وقوف « ایستادن » در صحرای عرفات. سوره « البقرة، ایه ۱۹۸».

ـ قربانی: ذبح کردن گوسفند ؛ در روز عید قربان. « سوره ۲: البقرة، ایه مبارکه « ۱۹۶ » : تا قربانی به قربانگاه نرسیده ، سر خود را متراشید.

فصل دوم

حج عـمره

شماره	عناوین
۱	ـ عمره چیست؟
۲	ـ عمره تمتع
۳	ـ عمره مفرده
۴	ـ فرایض عمره
۵	ـ اعمال و مناسک عمره

حج عـمره

عمره چیست؟

ـ عمره در لغت بمعنی زیارت کردن و دیدار یک جای خاص » است و در اصطلاح بمعنی زیارت بیت الله یا « کعبه شریفه» میباشد و بنام « حج عمره و یا حج کوچک » نیز یاد شده و به دو نوع « عمره تمتع و عمره مفرده » میباشد.

ـ عمره در لغت بمعنی زیارت است و در شرع به امور چهارگانه، ذیل گفته میشود:

۱ـ احرام ، ۲ ـ طواف کعبه ، ۳ ـ سعی در میان صفا و مروه ، ۴ ـ تراشیدن و یا قصرآن .
البته: احرام و طواف کعبه، فرض و سعی در میان صفا و مروه و تراشیدن و یا قصر آن ؛ واجب میباشد.

عمره تمتع:

عمره تمتع به حج ارتباط دارد و در ماه‌های حج انجام میشود و مانند حج واجب برهرمسلمانی با استطاعت، یک بار درعمر واجب است و شرایط و مناسک آن به حج عمره مفرده ، مشترک میباشد.

عمره مفرده:

عمره مفرده به مراسم و اوقات حج ارتباط ندارد بلکه هر فرد مسلمان با تکمیل شرایط به تنهایی و بدون روز و ماه مشخص ؛ برای انجام دادن عمره بیت الله « حج عمره » مشرف شده میتواند.

فرایض عمره:

برای انجام اداء عمره ؛ لازم است تا به مثل شرایط « حج » یک سلسله فرایض و واجبات ذیل مراعت شود:

هر فرد که نیت زیات خانه خدا « بیت الله شریف » را مینماید، باید : « مسلمان، عاقل ، بالغ ، آزاد و صحتمند » باشد وهمچنان توانایی مالی ، جسمی و شرایط احکام آن را داشته باشد ، و به شکل مستقل ، منفرد و اختیاری؛ مناسک عمره را انجام دهد.

اعمال و مناسک عمره:

طریقه ، روش و مناسک عمره ، بشکل « منفرد » انجام میشود و عبارتاً از:
ـ بستن احرام : توام با « نیت ، در یکی از میقاتها و خواندن دو رکعت نماز».
ـ طواف بیت الله « کعبه »؛ هفت بار و اداء دو رکعت نماز طواف عقب مقام ابراهیم خلیل الله.
ـ نوشیدن اب زمزم.
ـ سعی بین صفا و مروه « هفت بار ».
ـ تقصیر« تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر».

فصل سوم

بستن احرام

شماره	عناوین
۱	ـ احرام چیست؟
۲	ـ پنج محل اصلی میقات
۳	ـ طریقه پوشیدن احرام
۴	ـ نیت کردن
۵	ـ ذکر تلبیه « لبیک »
۶	ـ اعمال حرام برای مرد و زن در حالت احرام « محرم »
۷	ـ اعمال ممنوع درعمره

بستن احرام

احرام چیست؟

ـ لباس احرام : عبارت از دو پارچه « تکه » سفید غیر دوخته شده، برای مردان است که بنام « ایزار و رداء » یاد میشود و توام با نیت کردن در یکی از « میقات »، بشکل ذیل: اولی ایزار یا « لنگ » بدور کمر، بسته شده و دومی رداء یا « چادر » بالای شانه انداخته « دورداده » میشود.

پنج محل اصلی میقات:

میقات : اولین محلی است که فرد مسلمان در آنجا « اِحرام » خود را ، به قصد اداء مناسک « حج یا عمره » بسته کرده و « محرم » میشوند.

به اساس حدایث شماره « ۱۵۲۲ تا ۱۵۳۳» صحیح البخاری؛ پیامبر اسلام حضرت محمد « ص» برای اهالی مناطق مختلفی که قصد انجام مراسم « حج و عمره » را دارند؛ میقات ذیل را برای نیت ، بستن احرام و خواندن دو رکعت نماز، تعین کرده است:

ـ مسجد شجره « ذوالحلیفه»: میقات مردم مدینه و کسانی که از این مسیر به مکه میروند.

ـ جُحْفه: میقات اهل شام و کسانی که از این مسیر عبور میکنند . بخصوص از « جده ».

ـ وادی عقیق: میقات مردم نجد وعراق.

ـ قرن المنازل: میقات مردم طائف ، مردم « نجد » و کسانی که از آنجا عبور میکنند.

ـ یلملم: میقات مردم یمن و کسانی که از این مسیر عبور میکنند.

یادداشت: مسجد تنعیم « مسجد بی بی عایشه » و مسجد جعرانه از جمله « میقات » است که برای ساکنین شهرمکه تعین شده است.

مأخذ: ـ صحیح البخاری ، جلد دوم : باب تعین میقاتهای حج و عمره ، صفحه « ۲۱۸ تا ۲۲۲» ، احادیث شماره « ۱۵۲۲ تا ۱۵۳۱» .

طریقه پوشیدن احرام:

ـ مردان باید تمام لباس خود را از بدن بیرون کشیده و به عوض آن احرام که متشکل از دو پارچه سفید و با هم برابر است ، بشکل ذیل بسته نمایند.

ـ پارچه اولی که بنام « ایزار » یاد میشود ، به مثل « لنگ حمام » به دور کمر بسته شده و آن را توسط کمر بند محکم می بندنند.

ـ پارچه دومی بنام « رداء » یاد شده ، به مثل « شال یا چادر» بالای هردو شانه انداخته میشود.

یادداشت :

ـ مردان نباید « سر » را بپوشانند و همچنان سرپائی « چپلک » شان طوری باشد که « بجلک پای» را پنهان نکند.

ـ برای زنان لباس احرام لازم نیست؛ بلکه آنها میتوانند از هر نوع لباس باستر و ساده خود، بدون بستن نقاب یا روبند استفاده نمایند.

ـ نیت کردن: نیت بمعنی « قصد » و یا هدف قلبی برای انجام یک کار است.

ـ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ العُمرَه: « پروردگارا! من اماده به ادای عمره هستم ». و یا : الهی ! من اراده عمره را کرده ام ، با محبت خویش آن را برایم آسان و قبول درگاه مقدس خود ، بگردان.

یادداشت: بعد از پوشیدن احرام و نیت کردن، در یکی از« میقاتهای پنچگانه حج » ، محرم شده و دو رکعت نماز میخواند و تا تکمیل تمام مناسک عمره، در حالت « محرم یا منع شده» باقی میماند.

بستن احرام در مسجد شجره « ذوالحلیفه»: میقات مردم مدینه و کسانی که از این مسیر به مکه میروند. بخاطر اداي مناسک « حج و یا عمره »

دو رکعت نماز بعد از بستن احرام در مسجد شجره « ذوالحلیفه» وحرکت بطرف کعبه درحالت احرام

ذکر تلبیه « لبیک »:

ـ « لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ »

ترجمه: به اطاعت حاضرم پروردگارا، به اطاعت حاضرم ، به اطاعت حاضرم ؛ تورا شریکی نیست به اطاعت حاضرم ، همانا ستایش و نیکویی برای تو است و پادشاهی از آن تو است و تو را شریکی نیست.

نوت : بعد از بستن احرام و حرکت بسوی شهرمکه « بیت‌الله الحرام ، کعبه و یا خانه خدا » ، سنت است تا ذکر تلبیه با بشکل دوامدار و منظم ؛ تا دیدن یا نزدیک به « کعبه » صورت گیرد.

اعمال حرام برای مرد و زن در حالت احرام « محرم »:

ـ پوشیدن لباس دوخته شده و یا چپلک که بجلک را بپوشاند « فقط برای مردان ».

ـ پوشاندن روی « صورت » با نقاب و روی بند « برای مرد و زن ».

ـ کوتاه کردن یا تراشیدن موهای بدن.

ـ ناخن گرفتن، خینه « حنا » کردن.

ـ استفاده ازعطر، خشبویی وهمچنان روغن ، کریم و ... برای چرب کردن به بدن.

ـ لهو ، فسق ، دروغ گفتن ، دشنام دادن ، جنگ ، دعوا وغیره.

ـ شکارکردن :« سوره : المایده، ایه مبارکه ۹۵ » ای مومنان؛ در حالت احرام عمداً « شکار» را نکشید. البته کفاره شکار قصدی: معادل ان « قربانی ، دادن غذا به فقرا و یا گرفتن روزه» است.

ـ آمیزش جنسی: « البقره : ایه مبارکه ۱۹۷ » در اثنای حج ؛ آمیزش جنسی ، گناه و جدال کردن ، روا نیست . بلکه در حقیقت بهترین توشه ، پرهیزگاری است.

اعمال ممنوع درعمره:

اعمال ذیل برای عمره کننده جواز ندارد و کفاره آن « دم » است. دم یعنی ذبح یا قربانی یک گوسفند و یا خیرات بالای فقرا است.

ـ میقات: کسی با بستن احرام ، به « میقات » نرفت و بدون نیت کردن ، داخل حرم شریف گردد.

ـ طواف کعبه: در حال جنابت و یا بدون داشتن وضو و احرام.

ـ طواف کعبه: توسط زنان درحال « حیض یا نفاس ».

ـ کم کردن یا تراشیدن موی سر: کسی که قبل از سعی بین کوه « صفا و مر وه» موی سرخود را کوتاه و یا بتراشد.

فصل چهارم

طواف بیت الله « کعبه »

شماره	عناوین
۱	ـ طواف چیست ؟
۲	ـ برهنه کردن شانه راست « اضطباع »
۳	ـ طواف « کعبه شریفه »
۴	ـ لمس کردن سنگ الحجر الأسود « استلام »
۵	ـ نماز طواف
۶	ـ نوشیدن آب زمزم

طواف بیت الله « کعبه »:

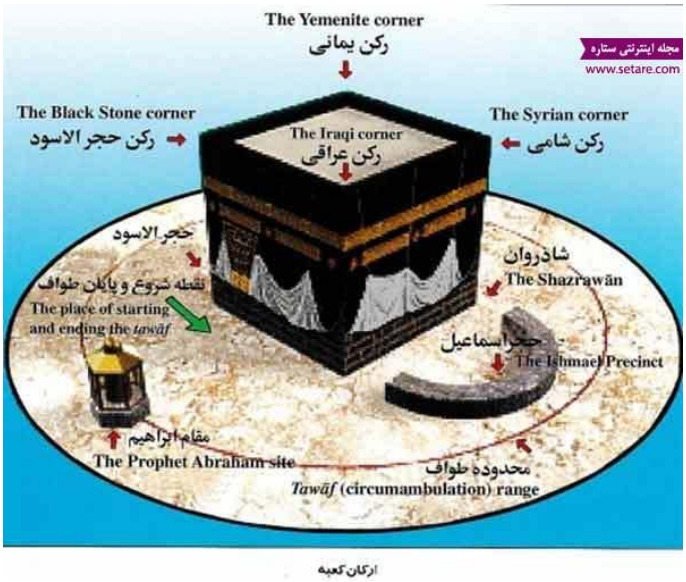

ارکان کعبه

طواف چیست؟

طواف در لغت به معنای « چرخیدن » در اطراف چیزی است.
در فقه اسلامی: به هفت بار چرخیدن به دور« کعبه » را میگویند و هر دور آن یک « شوط » نام دارد.

یک دور طواف: از سنگ حجرالاسود آغاز شده و به سنگ حجرالاسود ختم میشود. و مجموعاً هفت بار باید طواف کعبه شریفه ، صورت گیرد.

ـ برهنه کردن شانه راست « اضطباع »

قبل از شروع طواف کعبه ، سنت است که در موقع طواف شانه چپ ، بطرف دیوار خانه کعبه مکرمه باشد . و همچنان احرام بالائی بنام « رداء » بشکل ذیل تنظیم شود : داخل کردن نوک سمت احرام در زیر بغل سمت راست و انداختن سمت طرف راست احرام ، روی شانه چپ ؛ به شکل که شانه دست راست نمایان « برهنه » شود . البته این عمل فقط برای مردان جواز دارد.

ـ طواف « کعبه شریفه »:

طواف هفت دور است و هر دوری از سنگ حجر الآسود که در کنج نزدیک به دروازه کعبه« رکن شرقی یا اسود» نصب شده ، شروع شده و به سنگ حجر الآسود ، ختم میشود.
البته با لمس کردن و یا هم با رسیدن به چراغ سبز رنگ در دیوار تعمیر مقابل کعبه نصب شده ، دست راست را بلند کرده و گفته شود. « بسم الله ، الله اکبر» .

ـ در هردور طواف لازم است تا: « با نهایت محبت از الله سبحانه و تعالی شکرگزاری شود و حمد ، ثنا و صفت الهی با خضوع و خشوع بیان شود.

- از شروع رکن جنوبی « رکن یمانی » تا رکن شرقی که سنگ « الحجر الأسود » در آن نصب است. سنت است تا ذکر سوره البقره، ایه مبارکه « ۲۰۱» بیان شود:

« رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»

ترجمه: پروردگارا ! در این دنیا و در آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگه دار.

لمس کردن سنگ الحجر الأسود « استلام »:

استلام بمعنی لمس کردن یا بوسیدن است. بناَ سنت است که در هر دور طواف؛ سنگ حجرالاسود لمس « مسح » و یا هم بوسیده شود.

در صورتیکه لمس کردن و یا بوسیدن سنگ الحجر الأسود بنابر ازدحام و تراکم جمعیت مساعد نبود؛ در تعمیر مقابل مسجد الحرام « دروازه کعبه و سنگ الحجر الأسود » چراغ سبرنگ نصب شده ؛ به مجرد رسیدن به آن ، دست راست بطرف کعبه « سنگ الحجر الأسود » بلند و گفته شود:

بسم الله ، الله اکبر . ترجمه : « بنام خداوند تعالی که خداوند بزرگ است».

حجر الاسود یا « سنگ سیاه» ، از اجزای بسیار مقدس مسجد الحرام بوده و در رکن اسود یا رکن شرقی کعبه در ارتفاع یک و نیم متری نصب شده و این محل نقطه « شروع و پایان » طواف میباشد.

نماز طواف:

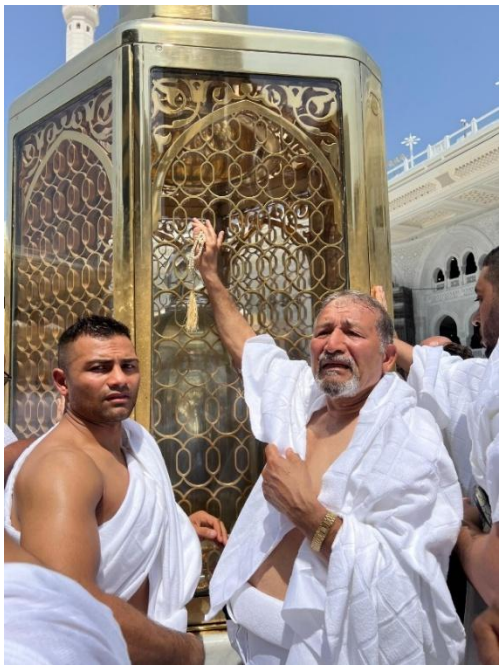

الله تعالی در سوره البقرة، ایه مبارکه « ۱۲۵» فرموده است که : خانه خدا محل امن و پاکیزه برای « طواف کنندگان، معتکفان و رکوع و سجودکنندگان » است و نماز درمقام ابراهیم خوانده شود.
بناَ ؛ فرض است تا بعد از تکمیل هفت دور طواف ؛ دو رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم که در مقابل دروازه کعبه موقعیت دارد، و یا در هرجای « حرم » خوانده « اداء » شود.

یادداشت:
ـ قبل از شروع نماز، باید شانه راست، دوباره همراه احرام پوشانیده شود.
ـ سنت است که: در رکعت اول نماز بعد از سوره الفاتحه؛ سوره « الکافرون » و در رکعت دوم سوره « الاخلاص » خوانده شود.

نوشیدن آب زمزم:

ـ بعد از دو رکعت نماز طواف، بطرف چاه زمزم که در فاصله نزدیک و روبروی « کعبه » قرار دارد ، و یا از بشکه های خاکی رنگ که از طرف اداره مسجد احرام در محلات مختلف گذاشته شده آب زمزم را نوش جان کرده و شکر گزاری الله تعالی را بجا آورده.

چاه زمزم:
در فاصله حدود ۲۱ متری شرق کعبه، مقابل زاویه « حجرالاسود » قرار دارد.

فصل پنجم

سعی بین صفا و مروه

شماره	عناوین
۱	ـ سعی بین صفا و مروه
۲	ـ تقصیر« تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر»

سعی بین صفا و مروه:

کوه « صفا و مروه » دو تپه کم ارتفاعی است که در شرق « مسجدالحرام » واقع شده و فاصله به آنها حدود « 378 متر» است. رب العالمین در سوره ۲: البقرة، ایه « ۱۵۸» چنین فرموده است:

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۸﴾

در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست [که یادآور اوست] پس هر که خانه [خدا] را حج کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد و هر که افزون بر فریضه کار نیکی کند خدا حق شناس و داناست. « ۱۵۸ ».

ـ به اساس روایات اسلامی : پس از آن که حضرت ابراهیم ، همسرش بی بی هاجر و فرزندش اسماعیل را در مکه که سرزمینی بی آب و علف بود، مستقر کرد، بی بی هاجر در جستجو یافتن آب برای فرزندش در میان تپه « صفا و مروه » هفت بار شتافت و بدون اینکه آبی پیدا کند به نزد فرزندش بازگشت ، و به رحمت الهی؛ چشمه آبی را در کنارش دید.

ـ تپه صفا، نقطه شروع دعوت علنی پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) است . ایشان بالای این کوه قرار گرفت، و به امر الله تعالی مردم را به « توحید، نبوت، معاد، عدل و... » راهنمایی نموده و آنها را از پرستش بت و گرایش به شرک، فساد و انحراف برحذر کرد.

قابل تذکراست که: سعی به معنی « دویدن و یا رفتن به قدم تیز » است ؛ هدف سعی بین صفا و مروه هم حکمت است و هم معرفت ! و همچنان نشانه از امید به الله تعالی توام با اطاعت، بندگی، ایثار و گذشت میباشد.

بدین اساس در مراسم حج و عمره، هفت بارسعی بین دو کوه صفا و مروه صورت میگیرد. البته از « صفا شروع و به مروه ختم شود » به شکل که از صفا تا مروه « یک دور» و از مروه تا صفا دور دوم ؛ حساب میشود. یعنی « رفت یک دور و برگشت دوردوم حساب میشود».

سعی در میان « صفا و مروه »

باید یاددهانی کرد که:

در جریان سعی « صفا تا مروه » کدام دعای خاص خوانده نمیشود، بلکه بخاطر کسب رحمت الهی؛ حمد ، ثنا و دعای لازمه بیان میشود.

همچنان در میان راه صفا و مروه بشکل جداگانه نشانه سبز « گروپ سبزرنگ » نصب شده ، از شروع گروپ سبزرنگ الی ختم آن باید مردان بدوند و زنان باید به صورت عادی راه بروند.

تقصیر« تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر»:

تقصیر: تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر بخشی از اعمال حج وعمره ، مظهر خضوع و خشوع ، نشانه اخلاص ، اطاعت ، بندگی و بیان تسلیمی کامل در برابر الله سبحانه و تعالی است. البته برای زنان فقط قطع کردن موی سر، واجب میباشد.

باید تذکر داد اینکه:

بعد از سعی هفت بار کوه « صفا و مروه »؛ در مروه باید بخاطر قطع کردن و یا تراشیدن موی سر، از دروازه خروجی خارج شد. البته در صد متری دروازه خروجی مروه ، محل مناسب خدمات اصلاح موی سر، از جانب اداره مسجد الحرام بشکل رایگان سازماندهی شده تا کسانیکه میخواهند میتوانند به نوبت مراجعه نمایند . و یا کسانیکه علاقمند باشند میتوانند به سالون اصلاح موی سر، در شهر مکه مراجعه نمایند.

یادداشت:

با تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر؛ به شرایط و مناسک « حج عمره » پایان داده شده و از حالت احرام « محرم » بیرون میشود.

آی الهی:

تو با لطف و مرحمت خویش عبادات و حج عمره همه بندگانت را به درگاه مقدست قبول و اجابت کن و خیروبرکت را نصیب شان بگردان.

امین یا رب العالمین

فصل ششم

شهر مکه

شماره	عناوین
۱	ـ خانه کعبه « بیت الله »
۲	ـ سنگ حجر الاسود
۳	ـ حِجر اسماعیل
۴	ـ مقام ابراهیم « ع »
۵	ـ مسجد الحرام
۶	ـ کوه نور و غار حرا
۷	ـ منا
۸	ـ عرفات
۹	ـ جمرات
۱۰	ـ مسجد جِعْرانه
۱۱	ـ مسجد تَنعیم « مسجد عمره »
۱۲	ـ مسجد نَمِره
۱۳	ـ مسجد خَیف
۱۴	ـ مسجد الجن « مسجدالحرس »

شهر مکه

شهر مکه بنام های « بکّه »، « امّ القری » و « بلدالحرام » شهرت دارد و از جمله شهرهای کشورعربستان صعودی است که در منطقه حجاز در « ۷۰ » کیلو متری شهر جده قرار دارد و بخاطر وجود قبله اول مسلمانان (کعبه) ، مقدس ترین شهر جهان در میان مسلمانان است.

در شهر مکه محلات مقدس وعمده هریک: « خانه کعبه، مسجدالحرام ، کوه نور وغار حرا ، منا ، عرفات، صفا و مروه ، جمرات و ... » و همچنان مساجد ذیل : « مسجد جِعْرانه ، مسجد تَنعیم ، مسجد نَمِره ، مسجد خَیف، مسجد الجن و... » موقعیت دارد . البته از جمله مساجد؛ «مسجد جِعْرانه و مسجد تَنعیم » محل « میقات » برای حجاج تعین شده است.

ـ خانه کعبه « بیت الله »:

خانه کعبه به شکل « مکعب » در مسجد الحرام در شهر مکه مکرمه موقعیت دارد که بنام های « بیت العتیق، بیت الحرام، بیت المعمور و بیت المحرّم » نیز یاد میشود.

ابراهیم خلیل الله به کمک فرزندش اسماعیل؛ دیوارهای کعبه را ساخت و مردم را به مناسک حج دعوت نمود.

« سوره ۳: آل عمران ، ایه مبارکه « ۹۶ ـ ۹۷ »: درمورد اینکه: اولین خانه مبارک « حج » ؛ درمکه است، در ان نشانه روشن بمثل : مقام ابراهیم ، امنیت و هدایت برای مردم است.».

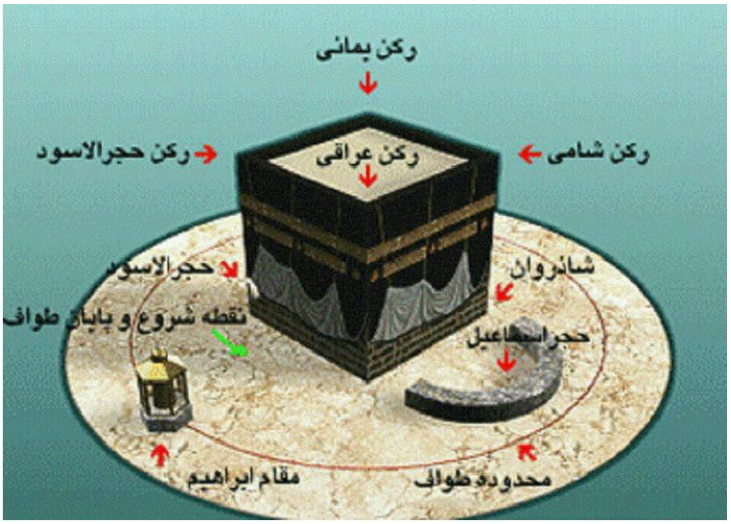

خانه کعبه دارای«۴» رکن اصلی در« ۴» گوشه است:
- رکن شمالی « رکن عراقی ».
- رکن جنوبی « رکن یمانی »
- رکن شرقی « رکن حجرالاسود »
- رکن غربی « رکن شامی ».

ـ سنگ حجر الاسود:

حجرالأسود به معنای « سنگ سیاه » میباشد و قرار روایات از سنگهای آسمانی و بهشت است که توسط ابراهیم خلیل الله در وقت اعمار کعبه « بیت الله » ، در دیوار کعبه نصب گردیده است.

ـ حجرالأسود در وقت ترمیم کعبه شریفه ؛ بنابر فیصله قبایل مختلف و قریش، به دست رسول امین؛ محمد « ص » پنج سال قبل از بعثت ، در رکن اسود یا رکن شرقی کعبه ، نصب گردیده است.

ـ حجرالأسود « آغاز و ختم » هفت دور طواف به دور کعبه میباشد و سنت است که لمس و یا بوسه شود. چون ازدحام زیارت کنندگان زیاد است و شرایط لمس کردن حجرالأسود برای تک تک مساعد نیست. به این اساس در دیوار مسجد الحرام « مقابل حجرالأسود و دروازه کعبه » چراغ سبز رنگ نصب شده تا طواف کنندگان به مجرد رسیدن به ان نقطه « شروع و ختم » طواف خود را در نظر داشته باشند.

همچنان سنت است که: به مجرد رسیدن به رکن شرقی « حجرالأسود » و یا با رسیدن به چراغ سبز رنگ؛ دست راست خود را بطرف آن بلند کرده و « بسم الله ، الله اکبر» به صدای بلند گفته شود.

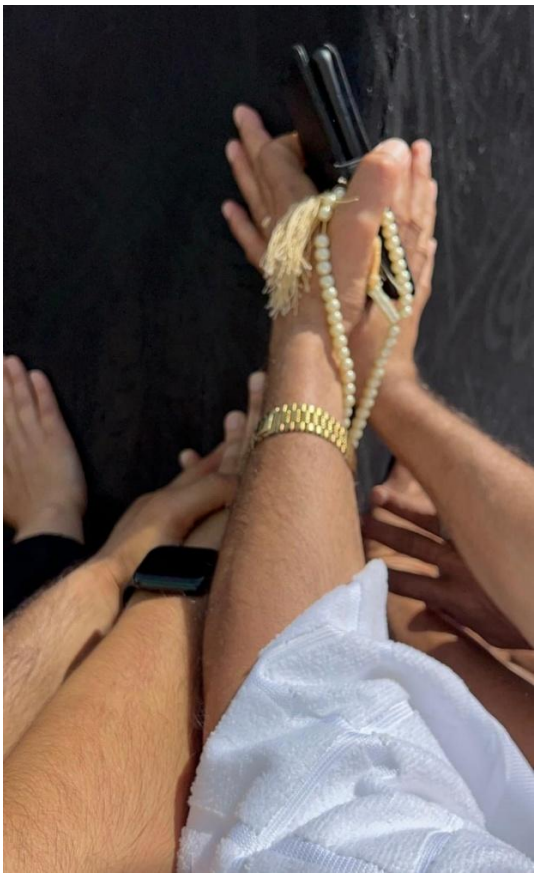

ـ حِجر اسماعیل:

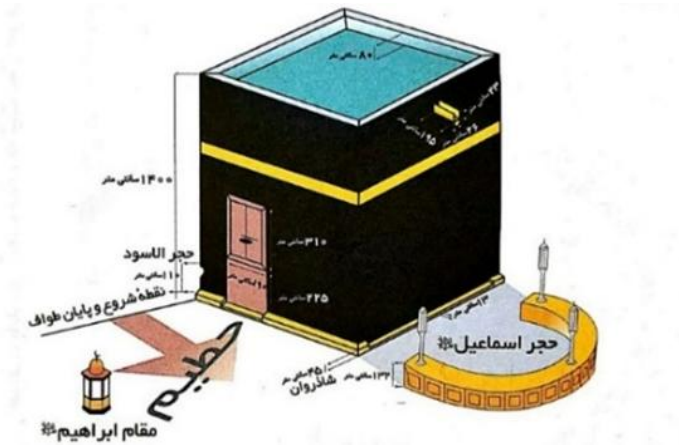

حِجر اسماعیل که بنام « حطیم » نیز یاد میشود ، دیواری نیم دایره به عرض حدود « ۱۰ متر» در قسمت رکن عراقی تا رکن شامی است.
دیواری حجر با ارتفاع « ۱/۳۰ متر» قوسی شکل میباشد.
روایت است که:
اسماعیل با مادرش بی بی هاجر در همین قسمت زندگی میکردند و پس از وفات شان ، در حجر دفن شده اند.

مقام ابراهیم « ع »:

مقام ابراهیم « ع » در وسط رکن عراقی و حجر الاسود و یا تقریباً مقابل دروازه کعبه شریفه قرار دارد.

مقام ابراهیم « ع » را بنام محل ایستادن ابراهیم خلیل الله بخاطر آباد کردن دیوار کعبه با کمک پسرش اسماعیل یاد میکنند.

مقام ابراهیم « ع » سنگی است به طول وعرض « ۴۰ » سانتی متر و بلندی تقریباً « ۲۰ » بیست سانتی متر که جای پای ابراهیم « ع » روی آن است و فعلاً در داخل این پنجره اهنی، نگهداری میشود.

براساس روایات اسلامی:

ـ مقام ابراهیم « ع » تا فتح مکه به دیوار کعبه چسبیده بود و بعد از فتح مکه ، و نازل شدن سوره ۲: البقرة ایه مبارکه « ۱۲۵ »: « وَ اتَّخِذُوا مِن مَقامِ إبراهیمَ مُصَلًّی » ترجمه: در مقام ابراهیم نماز گاهی برای خود اختیار کنید...

به اساس هدایت پیامبر بزرگوار اسلام محمد « ص» ؛ مقام ابراهیم خلیل الله از دیوار کعبه جدا و در مقابل دروازه کعبه « جای کنونی » در وسط رکن عراقی و حجر الاسود، انتقال و جابجا گردید.

ـ اگر مرکز کعبه را نقطه مرکزی در نظر بگیریم زاویه بین محل شروع و پایان طواف و مقام ابراهیم بیابیم این زاویه « 47 درجه» است و در ادامه « 313 درجه» تا پایان یک دور طواف میگذرد.

ـ بعد از هفت دور طواف بدور کعبه ، در پشت مقام ابراهیم، دو رکعت نماز طواف خوانده میشود و بعداً متباقی مناسک حج عمره « سعی در میان کوه صفا و مروه و قصر موی » انجام داده میشود.

مسجد الحرام:

مسجد الحرام بزرگترین و مقدس‌ترین مسجد جهان اسلام است که درچهار اطراف کعبه در شهر مکه ساخته شده . بخش‌های اساسی محوطه مسجد الحرام: « حجر الاسود، حجراسماعیل، مقام ابراهیم، چاه زمزم، تپه صفا و مروه » میباشد.
مسجدالحرام در صدراسلام، بسیار کوچک بود و برای اولین بار در زمان خلافت حضرت عمر« رض» بر مساحت مسجد افزود و به دور مسجد دیوار احاطه کرد. متعاقباً ولید بن عبدالملک مسجد را به بسیار زیبایی گسترش داد و حتی ناودان کعبه را بخاطر جلوگیری آب باران بروی بام، از طلا ساخت.

علت نام گذاری مسجدالحرام ؛ به دلیل احترام و مقدس بودن این مکان « کعبه شریفه » است ، چون شهر امن و برخی کارها در آن ممنوع یا « حرام » اعلام شده است و ورود مشرکان به آن ممنوع « حرم » است که به همین دلیل او را « مسجدالحرام » میگویند.

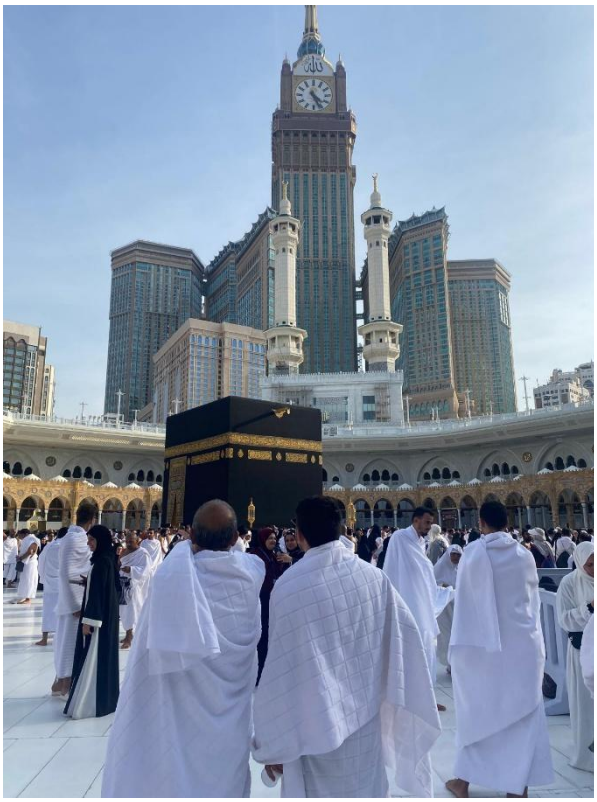

یادداشت : در صحیح البخاری، کتاب فضیلت نماز چنین نوشته شده که:
ابن حبان در صحیح خود اورده که: یک نماز در مسجد الحرام برابر صد نماز در مسجد مدینه است.
همچنان رسول خدا(ص) فرموده است: « یک نماز در مسجد من، نزد خداوند برابر با یکهزار نماز در سایر مساجد است، مگر مسجدالحرام ». صحیح البخاری: « حدیث شماره « ۱۱۹۰ » ، جلد دوم ، صفحه ۴۸ ».

کوه نور و غار حرا:

جبل النور در شرق مکه واقع است و غار حرا در بالاي آن قرار دارد.

پیامبر گرامي اسلام، چهل شبانه روز در داخل این غار به عبادت مشغول بودند و بعد از این مدت، جبرئیل امین در 27 ماه رجب بر پیامبر نازل شد و پنج ایه اول سوره « العلق » قران کریم را برای اولین بار بالای پیامبر اسلام از جانب الله سبحانه و تعالی وحی کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾
الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾
عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

منا:

منا در میان مکه و مزدلفه و در« ۷ » کیلومتری شمال شرقی مسجد الحرام واقع شده وحاجیان از صبح عید قربان تا دو روز بعد متباقی مناسک حج : « رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر» را در انجا انجام میدهند.

عرفات:

عرفات نام صحرایی است که در 20 کیلومتر شرق مکه موقعیت دارد.
حاجیان در روز عرفه « نهم ذی‌الحجه » در آنجا وقوف میکنند و فرصتی برای « تفکر، شناخت خدا ، کسب معرفت ، اظهار گناه و کسب رحمت الهی» میباشد.
به اساس روایت : رسول خدا (ص) خطبه حجّهالوداع را بر فراز این کوه ایراد کرده است.

جمرات:

رمی جَمَره پرتاب کردن سنگ ریزه به سوی جمره در مناسک حج است.
در روایات آمده‌است که: ابلیس برای بار اول در جمره عقبه خود را بر ابراهیم نمایان کرد و او با سنگریزه‌ها او را از خود دور ساخت و ابلیس دیگر بار در جمره وسطی و اولی راه را بر او بست و ابراهیم بار دیگر او را با پرتاب سنگ گریزان کرد.
حجاج، در سه روز متوالي، جمرات را رمي مي نمايند.

مسجد جِعْرانه:

مسجد جِعْرانه، يكي از مساجد شهر مکه است و کسانی که میخواهند حج عمره انجام دهند، میتوانند در آن محرم شوند.
مسجد جِعْرانه: محل میقات برای اهالی شهرمکه و اطراف آن است.

مسجد تَنعیم «مسجد عمره»:

مسجد تَنعیم در مسیر مدینه به مکه و در ورودی شهر قرار دارد که به آن مسجد « عایشه و مسجد عُمره » نیز گفته می شود و از مساجد شهر مکه و یکی از میقات های حج است.

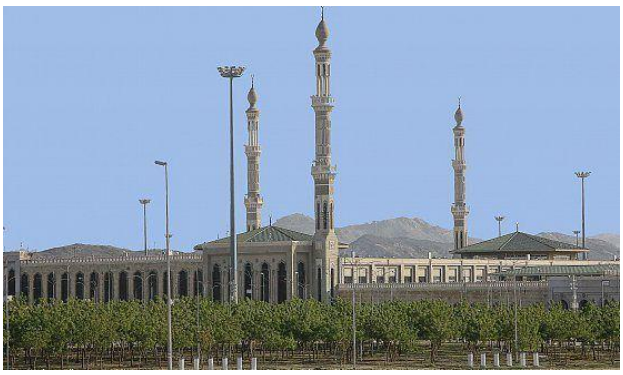

مسجد نَمِره:

مسجد نَمِره در عرفه واقع شده است و این مسجد با نام های مسجد حضرت ابراهیم، مسجد عرفه و مسجد عُرَنَه ـ وادی حاشیه عرفات ـ نیز یاد میشود.

مسجد خَیف:

مسجد خَیف مهم ترین مسجد سرزمین منا در مکه است که پیامبر اکرم(ص) در آن نماز خوانده و یکی از خطبه های حجة الوداع را در آن ایراد کرده است.

مسجد الجن « مسجدالحرس »:

مسجد جن قدیمی ترین مسجد در مکه است ، در سرک عمومی قرار دارد و توسط پل رفت و امد دو طرف صورت میگیرد. به اساس روایات : وقتی پیامبر اسلام « ص » در بازگشت از طایف در این محل استراحت کرد و شروع به خواندن قرآن و عبادت نمود؛ گروهی از جنیان با شنیدن آیات قرآن کریم ایمان آوردند که در آیات اول « سوره جن » به ایمان آوردن جنیان اشاره شده است.

در پهلوی مسجد کوچه بنام « شارع مسجد الجن » واقع شده که هنوز تابلوی قدیمی آن بر دیوار نصب است. داخل مسجد جماعت نمیشود و اکثراً مسدود میباشد. البته مردم در مقابل دروازه مسجد در یک محل احاطه شده سرباز ویا بدون سقف ،عبادت مینمایند و بعضاً مسجد برای بازدید علاقمندان باز میشود.

فصل هفتم

مدینه منوره

شماره	عناوین
۱	ـ مسجدالنبی یا مسجد نَبوی « مسجد پیغمبر»
۲	ـ روضه نبوی
۳	ـ مسجد قباء « مسجد التقوی »
۴	ـ مسجد قبلتین
۵	ـ مسجد شجره « مسجد ذوالحلیفه یا مسجد المیقات »
۶	ـ مسجد الفتح « مسجد الاعلی ویا مسجد الاحزاب»
۷	ـ مسجد جمعه « مسجد الوادی »

مدینه منوره

شهر مدینه، بعد از هجرت رسول خدا « ص»؛ به عنوان نخستین « شهر اسلامی » تبدیل شده که از شهر مکه، حدود « 420 » کیلومتر فاصله دارد.

در مدینه مساجد و محلات تاریخی ذیل وجود دارد : « مسجد النبی ، مسجد قباء « مسجد التقوی» ، مسجد قبلتین ، مسجد شجره یا مسجد ذوالحلیفه یا مسجد المیقات ، مسجد جمعه ، مسجد و کوه احد، مقبره شهدای جنگ احد ، موزیم « منوره ـ دارالمدینه »، نمایشگاه قران کریم ، قبرستان « بقیع » و همچنان مساجد سبعه « محل جنگ خندق یا احزاب» که بنام مساجد هفت گانه هستند. البته شش مسجد : « مسجد فتح، مسجد ابوبکر صدیق ، مسجد عمر ، مسجد سلمان فارسي و مسجد امام علي در دامنه کوه سلع و مسجد هفتمي « مسجد حضرت زهرا » در پاي کوه سلع که همچنان مسجد « قبلتین » نیز در ان سمت است.

ـ مسجدالنبی یا مسجد نَبوی « مسجد پیغمبر»:

مسجدالنبی یکی از سه مسجد مهم مسلمانان « مسجدالحرام و مسجدالاقصی » است.
چون آرامگاه محمد، پیامبر اسلام « ص » در آن موقعیت دارد، به همین دلیل به « حرم محمد» یا «حرم نبوی» نیز مشهور است و همچنان در جوارآن قبرستان مشهور مسلمانان « بقیع » واقع شده است.
مسجد نبوی مسجدی تاریخی در مدینه است که در شرق شهر مدینه بنا شده‌است.
درروایات اسلامی تذکر شده : این مسجد را پیامبر اسلام در نخستین روزهای هجرت و ورود به شهر مدینه به دست خود و به همراهی مهاجرین و انصار ساخته است.
ـ صحیح البخاری ، جلد دوم : ۲۰ـ کتاب فضیلت نماز درمسجد مکه و مدینه ، باب اول ، صفحه ۴۸ حدیث شماره « ۱۱۹۰»:
ازابوهریره روایت است که رسول الله «ص» فرمود : « نماز در همین مسجد من ، بهتر است از هزار نماز در مساجد دیگر، به جز مسجد الحرام در مکه »..

ـ روضه نبوی:

روضه مسجدالنبی، که به « روضهٔ مطهّره » و یا « روضهٔ شریفه » نیز معروف است، محل مقدس و خاص در مسجدالنبی است که بین منبر و قبر پیامبر اسلام (ص) قرار دارد . طول آن « ۲۲ متر» و عرض آن « ۱۵ متر » است.

به اساس روایات اسلامی : روضه شریفه به عنوان یکی از باغ‌های بهشتی توصیف شده و عبادت در آن فضیلت زیادی دارد. بنابر تقاضا و ازدحام علاقمندان؛ زیارت کردن آن از طریق انترنیت « ایپ ـ نسک » و اجازه گرفتن در وقت معین ، امکان پذیزاست.

ـ مسجد قباء « مسجد التقوی »:

مسجد قباء اولین مسجدي است که سنگ اولش را حضرت پیغمبر (ص) و سنگ دوم را ابوبکر صدیق، سنگ سوم را عمر فاروق و سنگ چهارم آن را عثمان ذوالنورین نهاده است.
مسجد قباء در محدوده ای به مساحت« 13500 متر مربع » اعمار شده و در آن چهار مناره، هر کدام « 47 متر » طول اباد شده و تقریباً درحدود « بیست هزار» نمازگزار گنجایش دارد. و در دیواردروازه دخولی به زبان عربی حدیث پیامبر رسول الله چنین نوشته شده است:
« پیامبر اسلام محمد « ص» در مورد فرموده است: کسی که در مسجد قباء داخل شود و دو رکعت نماز بخواند، ثواب یک عمره را نصیب شده است».

مسجد قبلتین:

مسجد قبلتَیْن « دو قبله‌ای یا مسجد ذوالقبلتین» » در غرب مدینه واقع شده و در این مسجد ، قبله مسلمانان در حین یکی از نمازهای ظهر« پیشین » از بیت المقدس به کعبه شریفه تغییر یافت.

پیامبر اسلام محمد « ص» دو رکعت از نماز ظهر را به سوی بیت‌المقدس « مسجدالاقصی » خواند وبعد از نازل شدن وحی ؛ جمع نماز را تغیر داد و دو رکعت دیگر را به جانب « کعبه شریفه » خواند.

مسجد شجره « مسجد ذوالحلیفه یا مسجد المیقات »:

مسجد شَجَره « مسجد ذوالحُلَیْفه ویا مسجد الاحرام» از مساجد تاریخی شهر مدینه است که در منطقهٔ « ذوالحلیفه » یا « آبارعلی» در هشت کیلومتری جنوب غربی مسجدالنبی در مسیر مکه قرار دارد.

مسجد شَجَره ، میقات کسانی است که برای « حج و یا عمره » از مدینه به مکه می روند.

قرار روایات، پیامبر اسلام محمد (ص) در سفرهای عمره و حج در این میقات، محرم شده اند.

مسجد الفتح « مسجد الاعلی و یا مسجد الاحزاب»:

مسجد الفتح بر روی « کوه سلع » شهر مدینه موقعیت دارد که بعد از جنگ احزاب از سنگ ساخته شده است. پیامبر (ص) در جنگ احزاب و یا « جنگ خندق » در این محل اقامت داشت و از آنجا سپاه اسلام را رهبری میکرد، تا اینکه سپاه اسلام در جنگ خندق موفق شدند.
در روایت آمده است که: سوره فتح « سوره ۴۸: الفتح » در این مسجد بر رسول خدا « ص» نازل شده است. و همچنان باید خاطر نشان ساخت که در مسیر و امتداد کوه سلع؛ هفت مسجد که بنام « مساجد سبعه »: « مسجد الفتح ، مسجد ابوبکر، مسجد عمر ، مسجد علي ، مسجد خندق ، مسجد سلمان « فارسی » و مسجد فاطمه زهرا » ساخته شده است.

مسجد جمعه « مسجد الوادی »:

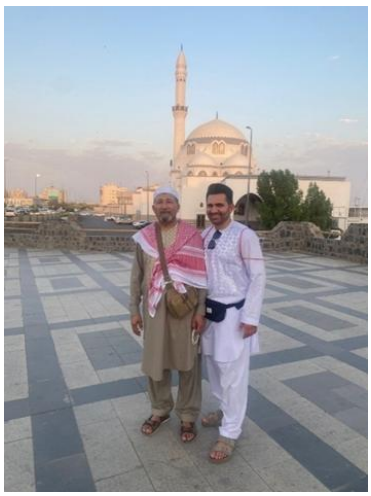

مسجد جمعه در محله بنو سالم ، شهر مدینه موقعیت دارد و به نامهای « مسجد الوادی» و « مسجد عاتکه» یاد میشود.

حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) پس از اقامت چند روزه در مسجد قبا ، زمانی که عازم بخش اصلی یثرب شدند، در مسجد جمعه اولین « نماز جمعه » را به امامت خویش اقامه کردند.

منابع و مآخذ:

ـ سوره ۲: البقرة ، ایه مبارکه « ۱۹۶ » . و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید و...

ـ سوره ۲۲: الحج ، ایات مبارکه « ۲۵ ـ ۳۳» : در مورد حضرت ابراهیم ، کعبه برای طواف، قرباني بنام الله تعالی و دورکردن شرک و بتان ...

ـ سوره ۳: آل عمران . ایه مبارکه « ۹۷» : در حج نشانه هایی روشن ، مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است.

ـ سوره ۲: البقرة ، ایات مبارکه « ۱۹۷ ـ ۲۰۳ » : الله تعالی مورد فضیلت و واجبات حج ، انجام آن باعث رستگاری و سعادت انسان میشود.

ـ سوره ۵: المائدة، ایه مبارکه « ۹۵»: در حالت محرم شکار نکنند، در غیر ازآن کفاره بدهند.

ـ سوره ۲: البقرة، ایه « ۱۵۸ »: در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست.

ـ سوره ۵۱: الذاریات ، ایه مبارکه « ۵۶ » : و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

ـ سوره البقره، ایه مبارکه « ۲۰۱». پروردگارا ! در این دنیا و در آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگه دار.

ـ سوره ۲: البقرة، ایه مبارکه « ۱۲۵» : خانه خدا محل امن و پاکیزه برای « طوافکنندگان ، معتکفان و رکوع و سجودکنندگان » است و نماز درمقام ابراهیم خوانده شود.

ـ سوره ۵: المائدة ، ایه مبارکه « ۲ » : ای کسانیکه ایمان اورده ای ، شعایر « ارکان و احکام » الهی را مراعت نماید و از احرام بیرون شدید شکار کنید و نباید تجاوز کرد در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

ـ سوره ۵: المائدة ، « ایه ۹۷» در مورد اینکه الله تعالی ، کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن مردم قرار داده و ماه حرام و قربانیهای بی نشان و قربانیهای نشاندار را نیز به همین منظور مقرر فرموده است.

ـ سوره ۳: آل عمران ، ایه مبارکه « ۹۶ ـ ۹۷ »: درمورد اینکه : اولین خانه مبارک « حج »؛ درمکه است، در ان نشانه روشن بمثل : مقام ابراهیم ، امنیت و هدایت برای مردم است».

ـ سوره ۶: الأنعام ، ایه مبارکه « ۱۶۲ » : در مورد اینکه : « نماز ، عبادات ، زندگی و مرگ » فقط برای رب العالمین است.

ـ سوره ۷: الأعراف، ایه مبارکه « ۲۹ » : در مورد توجه به نماز و فضیلت آن.

ـ صحیح مسلم، باب فضل الصلاه بمسجد مکه و المدینه، حدیث شماره « ۱۳۹۶ »: از رسول الله « ص » فرموده است: « یک نماز در مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از هزار نماز در مساجد دیگر افضل است؛ مگر مسجد کعبه».

ـ صحیح البخاری ، جلد دوم : ۲۰ـ کتاب فضیلت نماز درمسجد مکه و مدینه ، باب اول ، صفحه ۴۸ حدیت شماره « ۱۱۹۰»: از ابو هریره روایت است که رسول الله « ص » فرمود : « نماز در همین مسجد من ، بهتر است از هزار نماز در مساجد دیگر، به جز مسجد الحرام در مکه».

ـ صحیح بخاری ، جلد دوم : ۲۵ـ کتاب حج: فرضیت حج و فضیلت آن، باب اول، صفحه « ۲۱۵ »، حدیت شماره « ۱۵۱۳ » . انجام حج برای پدر کهنسال ، و ضمناً در ماخذ : تعریف و شرایط حج.

ـ صحیح البخاری ، جلد دوم : باب تعین میقاتهای حج و عمره ، صفحه « ۲۱۸ تا ۲۲۲» ، احادیث شماره « ۱۵۲۲ تا ۱۵۳۱».

ـ صحیح البخاری ، جلد دوم : ۲۶ـ کتاب حج: باب بلند کردن آواز و تلبیه ، صفحه « ۲۲۹ » ، حدیت شماره « ۱۵۴۹ » : از نافع روایت است که عبدالله ابن عمر رضی الله عنها گفت : رسول الله « ص» چنین تلبیه می گفت: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لاشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ،لاشَرِيكَ لَكَ».

ـ صحیح البخاری، جلد دوم: حدیث شماره ۱۵۹۷، صفحه ۲۵۵، در مورد لمس سنگ حجرالآسود.

ـ شرح قدوری، مولف: مفتی محمد عاشق الهی البرنی . صفحه « ۱۳۷ـ ۱۸۸ » احکام حج.

ـ تفسیر احمد: مولف امین الدین « سعیدی ـ سعید افغاني » ، جزء « ۱ ـ ۲ـ ۳ » ، صفحات « ۳۴۸ تا ۳۵۸ » سوره البقره ، ایات مبارک« ۱۹۶ ـ ۲۰۲۳ » در مورد بخش احکام حج و عمره.

ـ تاریخ سیاسی اسلام : نوشته داکتر ابراهیم حسن.

ـ درس انترنیتی: مولانا عبدالغنی «بدری»، استاد عبدالصمد«قاضی زاده»، استادعبدالله «شمس».

ـ فرهنگ زبان فارسی: نوشته دکتر مهشید « مشیری ».

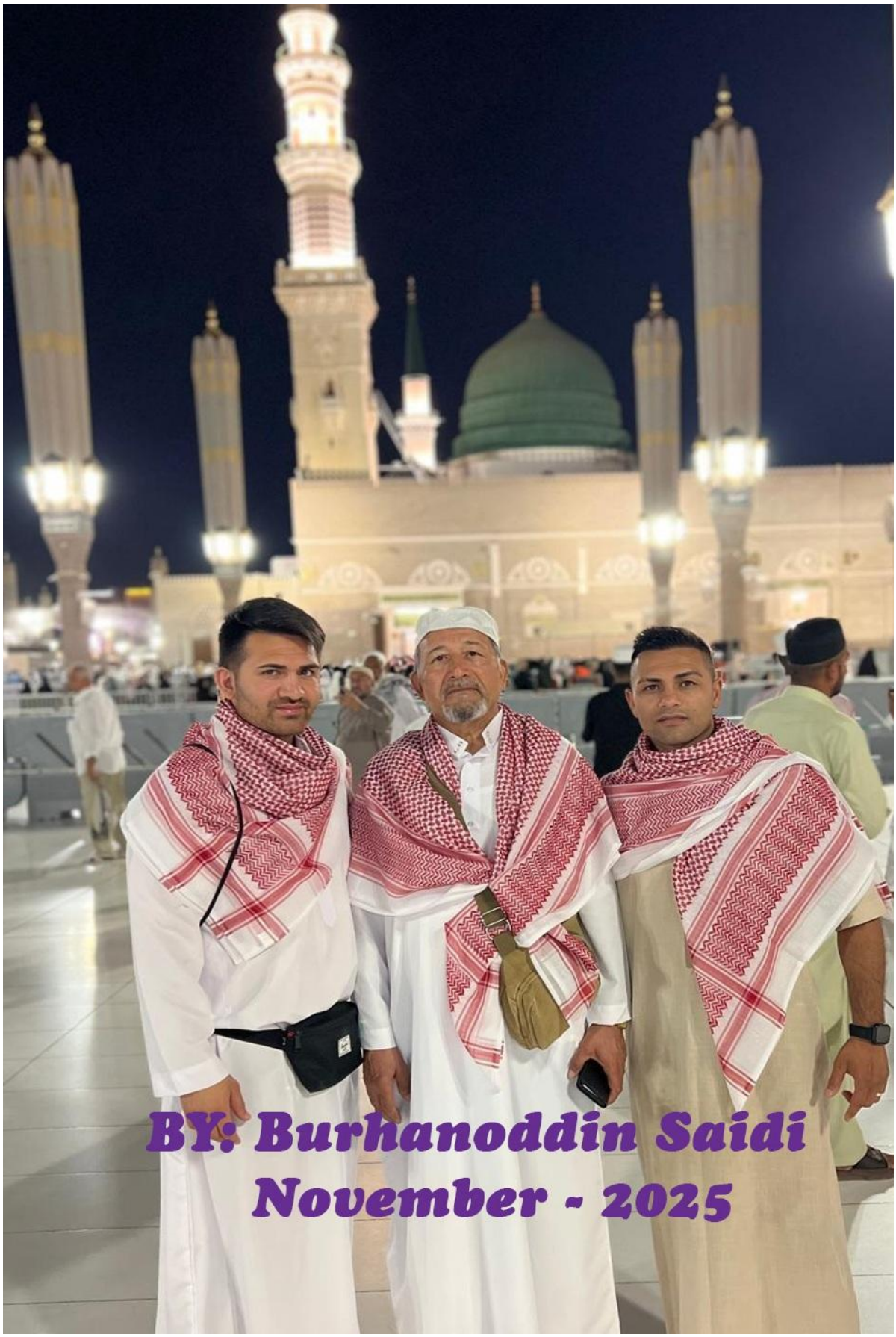

BY: Burhanoddin Saidi

November - 2025